

اپورتونیسیم در لاک "دفاع از رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان"

اپورتونیسیت های "ساما-ادامه دهنده گان" و "سازمان انقلابی افغانستان" به مثابه ی دشمنان سوگند خورده ی مائوئیست های افغانستان، در صدد آن اند که به بهانه و در لاک دفاع از "رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان" از سویی تاریخ را مسخ نموده و به مسخره بگیرند و از سویی دیگر با استفاده از اتوریته ی برخی از جانباخته گان مبارزه ی ضد سوسیال-امپریالیستی، در لاک دفاع دروغین از آن جانباخته گان، برخی از جواسیس و رهبران من-در-آوردی و کاذب خویش را نیز جا بزنند. به جز اپورتونیسیت های مذکور، هیچ کسی مدعی آن نیست که داکتر فیض، در شمار رهبران انقلابی مائوتسه دون اندیشه ی رهبری کننده ی "جنبش مقاومت ملی افغانستان" باشد. دفاع کاذب اپورتونیسیت ها از شهید مجید، نه به منظور بررسی اصولی از کارکرد های آن شهید جنبش انقلابی، بل به منظور مسخ وی و به منظور تطهیر اشتباهات و نگره های نادرست چپ دیروز است، تا باشد که راه برای "تجلیل" از اکونومیسم "رهایی" باز شود! جالب آنست که عده یی مزدور منش و فاقد صلاحیت نگرش انتقادی، از بقیه السیف فراریان "سازمان رهایی" و رانده گان "ساما"، اینک با دفاع از گذشته ی ننگین "سازمان رهایی" و چشم پوشی از انحرافات ساما بعد از شهادت شهید مجید کلکانی، خواهان آن اند که در پیشگاه ی رهبران کنونی "سازمان رهایی" و اپورتونیسیتان "سازمان انقلابی" به کس حساب شوند، و بدین طریق، آبروی کذابی را که با گسیختن یا گریختن (یا رانده شدن از "رهایی" و "ساما") کماهی کرده بودند، اینک دوباره به حراج میگذارند. اینگونه دلچک ها، مزورانه اعلام میدارند که با آنکه اینک عضویت سازمان های "چی" مذکور را ندارند، اما خود را ملزم میدانند که از رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان دفاع کنند. نیز برخی "نا خوانده ملا" ها که ادامه ی همان خط "جمهوری اسلامی" بازی "رهایی" و "ساما" اند، اینک با استفاده از عناوینی نظیر (فلانی "هوا دار ساما- ادامه دهنده گان) میخواهند توهمات خویش را در دفاع از ساما، سامایی که اینک دیگر از زمین تا خورشید با سامای مجید فاصله دارد، بپراگندند. این "هواداران" جز هواداری از منحرفان سامایی، منحرفانی که به خون شهید مجید کلکانی خیانت نموده اند، چیزی در چنته ندارند. شاید سیاه مشق های این "هواداران جدید" را که اینک در وبسایتی جدید التاسیس "رزمنده گان" که پایگاهی از همان قماش اپورتونیسیم "بابا" و "آزاد افغانستان" است، نیز سرک میکشند، جدی نباید گرفت. اما، آنعه از رانده شده گان و گریزی هایی که دیروز "سازمان رهایی" و "ساما" را لعنت میگفتند و اینک به مدافعان پرو پاقرص داکتر فیض احمد و قیوم رهبر تبدیل شده اند، در خصوص اینها چه باید گفت؟! آیا میتوان با توجه به تناقضاتی که طی سالیانی دراز در کار شان بوده است، و پیوسته بر ضد سازمانهایی که در گذشته بدانها منسوب بوده اند و "اینک در دفاع" از آنها قرار گرفته اند و "ادای دین به رهبران جان باخته" میکنند، سخنان امروزین و "دفاعیه" های پرو پاقرص شان را مخلصانه و ناشی از صداقت شان به آن رهبران ارزیابی کرد؟ واضح است که نه! نمی توان. در پس این پرده ی غلیظ که از "دفاعیه ها" کشیده اند، چهره ی کریه و شوم رویونیسم و اپورتونیسیم، اپورتونیسیمی که لاش متعفن اکونومیسم و اکلکتیسیسم دیروز است، "پنهان" است. اما، مارکسیست-لنینیست-مائوئیست ها، نه تنها چهره ی کریه این لاش متعفن را به درستی دیده اند، بل، به جدیتی تام، آنرا افشا نموده و برای همه گان معرفی میکنند. یکی از مدافعان دروغین "جنبش مقاومت ملی افغانستان" فردی اپورتونیسیت بنام "میرویس ودان محمودی" است. این فرد، که در وبسایت

مزدور و جاسوس "آزاد افغانستان" سیاه سر "سفید" میکند، با رویزیونیست های "سازمان رهایی افغانستان" نیز مشق دلربایی می بازد، و با مولود ناقص آن سازمان، یعنی با اپورتونیست های "سازمان انقلابی افغانستان" نیز سر و سری دارد. بدین ترتیب می بینیم که این اپورتونیست، آن "متاعی" است که نزد همه اپورتونیست ها خریدار دارد. چرا چنین است؟ زیرا که این اپورتونیست، چنان ژاژ پراگنی و هرزه درایی میکند و مائونیست های افغانستان را به رگبار مذمت می بندد که قند به دهان رویزیونیست ها آب میکند. این اپورتونیست خاین، با دشمنی ژرف با مائونیسم، به دفاع از اکونومیسم "رهایی" و اشتباهات و انحرافات تاریخی ساما پرداخته، و نقد مائونیستی را به هیچ میگیرد. این اپورتونیست در آخرین هرزه درایی منتشره ی خویش در وبسایت دوسره استخباراتی آزاد افغانستان، با تداوم بخشیدن به "سنت" افشا نمودن هویت مائونیست های افغانستان در "پیشگاه" ی "ارتجاع و سرمایه" موسوی پیر را نشاط جوانی می بخشد، و همدستان با وی، جنبش انقلابی افغانستان را خنجر میزند. این اپورتونیست فکر میکند که با افشای هویت رفیق مائونیست ما در "هالند" گویا زهر چشمی به مائونیست ها نشان میدهد. بی خبر از آنکه با اینکار خویش یک بار دیگر به اثبات میرساند که یک کارگزار کثیف کوانتل پرو از آب در آمده و یک "سید غلام علی مشرف" دیگر میشود! وی در بخش سوم از نبشته ی اخیر خویش تحت عنوان (فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان)، موسوی وار و جاسوسانه چنین قوله میکشد:

"از آنجائی که نقاد و نقادان از طرح کودتا توسط (سازمان آزادیبخش مردم افغانستان) شکوه می کنند و مجید بزرگ را

آوانتاریست خطاب می نمایند؛ پرسش ما این است که خود نقادان در آن دوره تاریخی به کجا تشریف داشتند و چرا

حرکت «کودتاگرانه» (ساما) را بهتقدنکشیده اند و حال چرا بعداز گذشت ۳۳ سال از هالند جیغ می کشند؟!"

با وجود آنکه قوله های موسوی وار این اپورتونیست ارزش بررسی را ندارد، اما از آنجایی که میخواهد در لاک "دفاع از جنبش مقاومت ملی افغانستان" پنهان شود، ما میخواهیم وی را به مثابه ی عامل کوانتل پرو و برادر ایدئولوژیک موسوی جاسوس، به افشا گیریم. افشای جواسیسی نظیر موسوی و "میرویس ودان محمودی" بخشی از کارزار مبارزه با اپورتونیسم مزدور امپریالیسم است. اگر ما این اپورتونیسم را در هم نکوبیم، زانده های "هوادران" ی "ادامه دهنده گان" بیشتر شده و به تخریب در جنبش انقلابی کشور خواهند پرداخت. مارکسیست-لنینیست-مائونیست های افغانستان پیوسته حرمت خون شهید مجید را پاس داشته اند و از شرافت راه ی وی به دفاع برخاسته اند، اما این امر سبب آن نگردیده است که آنان به دفاع از لغزش ها و یا شگرد های نادرستی که ساما در پیش داشته است، نپردازند. طرح کودتا-قیام، غیر مائونیستی و در ضدیت با استراتژی مائونیستی جنگ خلق قرار داشت. لهما، از نگاه ی مائونیست های کشور، مردود است. این موضع گیری اصولی در برابر آن طرح، هیچگاه به منظور خرد ساختن شخصیت انقلابی شهید مجید نبوده، بل نقدی است مائونیستی از اشتباهات آن شهید. ما به هیچ اپورتونیستی مجال آنرا نمی دهیم که نقد مائونیستی رفقای "مائونیست های افغانستان" را پیراهن عثمان کنند، تا از سویی به دفاع از آن طرح نادرست پردازند، و از سوی دیگر، به بهانه ی دفاع از شهید مجید، در برابر مائونیسم و جنگ خلق قرار گیرند. برای ما شهید مجید، مهم و عزیز است، اما مهمتر و عزیز تر از وی، اصول و ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم است. با چنین محکی است که ما سره را از

ناسره بر سخته میداریم. با این معیار است که ما طرح قیام-کودتا را مردود میدانیم. این مردود دانستن، به منظور خرد ساختن شهید مجید نیست. شرافت وی، با ریختن خون وی در پیشگاه ی مقاومت ضد سوسیال-امپریالیستی خلق های کشور، تا ابد محفوظ و ملحوظ است. اما، نباید به اپورتونیسیم مجال آنرا داد که به بهانه ی دفاع کاذب از شهید مجید، از دامن تاکتیک های اپورتونیستی نظیر "قیام بالا حصار" و طرح های غیر مائونیستی گرفته ، و جنگ خلق را به مسخره گیرند. قدرت سیاسی از میله ی تفنگ بر میخزد. این را ظاهر اپورتونیست هایی که ادعای "مائوتسه دون اندیشه" بودن دارند، نیز در حرف تکرار میکنند. سخن به این آسانی نیست. این قدرت سیاسی که از میله ی تفنگ بر میخیزد، زاده ی شرایط عینی و ذهنی است، شرایطی که تنها از بستر یک جنگ خلق بر میخیزد و نه از لجن رویونیسم مسلحانه ی اپورتونیست های "رهایی" و یا "کودتا-قیام" سامای شهید مجید.

7 حمل 1392 خورشیدی

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)